

درس هفتم: افعال ناقصه

یازدهم انسانی

افعال ناقصه افعالی هستند که با بقیه ی افعال کمی فرق دارند، چون فاعل و مفعول ندارند و مربوط به جمله ی اسمیه می شوند؛ یعنی با مبتدا و خبر همراهند. پس حالت را می رسانند، نه این که بیانگر انجام کاری باشند. این افعال در زبان فارسی به افعال ربطی یا اسنادی معروفند.

افعال ناقصه:

کان، آیس، صار، أصیح و..

در کتب نظام جدید، فقط به این چند مورد اشاره شده. در رشته ی انسانی هم ترجمه ی آن ها مهم است، هم نقش هایشان.

ابتدا به ترجمه ها اشاره می کنیم، سپس نقش ها.

هر یک از این افعال مشخصاتی دارند:

ترجمه ی کان

کان (ماضی): بود یكون (مضارع): می باشد کن (امر): باش

مثل افعال دیگر صیغه های مختلف دارند.

کان الجوّ بارداً. هوا سرد بود. لا تكونوا من الجاهلین. از نادان ها نباشید. کن صادقاً. راستگو باش.

۱. بود:

ترجمه ی اصلی "کان" است. مانند: کان الجوّ بارداً. هوا سرد بود.

۲. است:

اگر "کان" در مورد خداوند یا یک امر کلی و همیشگی باشد، "است" ترجمه می کنیم. مثال: کان الله عالماً. خدا دانا است.

۳. داشت:

اگر بعد از "كَانَ" یا عِنْدَ بیاید، آن را "داشت" ترجمه می کنیم.

مثال: كَانَ لِي فُسْتَانٌ جَمِيلٌ. پیراهن زیبایی داشتم. (نمی گوئیم: برای من پیراهن زیبایی بود.)

كَانَتْ عِنْدَ صَدِيقَتِي كِتَابٌ. دوستم کتابی داشت. (نمی گوئیم: نزد دوستم کتابی بود.)

۴. همراه با مضارع: تشکیل دهنده ی ماضی استمراری:

كَانَ + مضارع ← ماضی استمراری كَانَتْ فَاطِمَةُ تَكْتُبُ دَرَسَهَا. فاطمه درسش را می نوشت.

(نمی گوئیم: فاطمه بود که درسش را می نوشت.)



۵. همراه با ماضی: تشکیل دهنده ی ماضی بعید:

كَانَ + ماضی ← ماضی بعید

كَانَ الطُّلَّابُ ذَهَبُوا إِلَى الْقَاعَةِ لِقِرَاءَةِ دُرُوسِهِمْ. دانش آموزان برای خواندن درس هایشان به سالن رفته بودند.

(نمی گوئیم: دانش آموزان بودند که برای خواندن درس هایشان به سالن رفتند (یا رفته بودند).)



*توجه: در مورد شماره های ۴ و ۵ خودِ كَانِ ترجمه نمی شود، بلکه همراه با فعل ماضی و مضارع موجود

در جمله ترجمه می شود.

ترجمه ی لَيْسَ وَ صَارَ وَ أَصْبَحَ

-لَيْسَ: نیست. لَيْسَ الْجَوُّ حَارًّا. هوا گرم نیست. لِمَاذَا لَسْتَ فَرِحًا؟ چرا شاد نیستی؟

-صَارَ وَ أَصْبَحَ: شد، گشت، گردید. صَارَ (يَا أَصْبَحَ) التَّلْمِيذُ نَشِيطًا. دانش آموز، فعال شد.



اعراب



این افعال با جمله ی اسمیه همراهند، پس یعنی مبتدا و خبر هم دارند، اما اسمشان فرق دارد: به جای مبتدا: اسمِ كان (یا اسمِ افعال

ناقصه) و به جای خبر: خبرِ كان (یا خبرِ افعال ناقصه) می گوئیم. یعنی یک چیزی در مورد یک چیز دیگر خبر می دهد. مثلاً در "كانَ الجَوُّ

بارداً." بارداً در مورد الجَوِّ خبر می دهد.

*اسم افعال ناقصه مرفوع است و خبرشان منصوب: كانَ اللهُ عالماً. خدا دانا است.

از افعال ناقصه اسم كان و مرفوع با ضمه خبر كان و منصوب با فتحه

تكونُ الطالبةُ نشيطةً. دانش آموز فعال می باشد.

از افعال ناقصه اسم تكون و مرفوع با ضمه خبر تكون و منصوب با فتحه

ليسَ الأعداءُ قادرينَ على الهجوم.

از افعال ناقصه اسم ليس و مرفوع با ضمه خبر ليس و منصوب با ي

أصبحتَ المعلمتانِ صديقتينِ. دو معلم دوست شدند.

از افعال ناقصه اسم أصبحت و مرفوع با ألف خبر أصبحت و منصوب با ي

حقیقی

